

کارکرد امنیتی و انتظامی انجمن‌های رسمی گیلان در عصر مشروطه

اعظم اسماعیل زاده¹، سعیدصادقی²، محمدحسن مرادی³

تاریخ دریافت: 1395/10/12
تاریخ پذیرش: 1395/11/09

از صفحه 135 تا 152

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی
سال سوم، شماره یازدهم، زمستان 1395

چکیده

پس از اعلان مشروطیت در اغلب مناطق ایران از جمله گیلان، انجمن‌های فراوانی تشکیل شد. انجمن‌های عصر مشروطه به دو دسته؛ انجمن‌های رسمی و انجمن‌های غیررسمی تقسیم می‌شدند. انجمن‌های رسمی گیلان کارکردهای مختلفی داشتند. یکی از نقش‌های مهم و حساس آن‌ها، تأمین امنیت گیلان در شرایط اغتشاش و تزلزل امنیت بود. نقش‌های پررنگ انجمن‌های رسمی در تأمین امنیت منطقه گیلان علی‌رغم اهمیتشان موردبررسی و تحقیق قرار نگرفته است. تبیین و بررسی این نقش‌ها مهم‌ترین مسئله تحقیق حاضر می‌باشد. هدف تحقیق که با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس داده‌های تاریخی موجود و با بهره‌گیری از روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای صورت گرفته است، شناخت ابعاد مختلف مسئله تحقیق می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد که انجمن‌های رسمی گیلان با وجود برخی کاستی‌هایی که داشتند، نقش‌های بسیار مهمی را در تأمین امنیت منطقه گیلان ایفا نمودند.

کلید واژه‌ها

امنیت، انجمن‌های رسمی، گیلان، مشروطه.

1 - استادیار تاریخ دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول): a.esmailzadeh6@gmail.com

2 - استادیار تاریخ دانشگاه پیام نور

3 - استادیار تاریخ دانشگاه پیام نور

مقدمه

از موضوعات تأثیرگذار و قابل بررسی عصر مشروطه و رخداد‌های آن مسئله وضعیت امنیت این دوره هست. به طور متعارف حفظ امنیت از جمله مهم ترین و اساسی ترین وظایف هر حکومتی به شمار می رود. این کارکرد مهم و حیاتی حکومت‌ها، در شرایط بحرانی دچار اختلال جدی شده و به همین منظور برخی از گروه‌های قدرت و سازمان‌های مردمی فضا را برای فعالیت خود مناسب می‌بینند. پس از اعلام مشروطیت و در ماه‌های متعاقب آن، امنیت در گیلان و بخش‌های وسیعی از کشور دچار تزلزل گردید. در بسیاری از نقاط دولت قادر به حفظ و تأمین امنیت نبود. در واقع با توجه به فروپاشی قدرت استبدادی، حکام تعامل و توانایی آن را نداشتند که اقدامات مجدانه‌ای را در زمینه حفظ امنیت به عمل آورند. عدم پرداخت حقوق و مواجب مراجع برقرار کننده امنیت چون نظمیه و عدلیه در مقاطعی از این دوره، نیز مزید بر مشکلات بود و تأمین امنیت را در گیلان تقریباً غیرممکن می‌ساخت. در این شرایط انجمن‌های رسمی گیلان، نقش‌های مختلفی را در ایجاد امنیت این منطقه ایفا نمودند.

تشکیل انجمن‌های رسمی را می‌توان یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب مشروطه دانست. انجمن ملی و انجمن ایالتی و ولایتی گیلان به عنوان مهم ترین انجمن‌های رسمی این منطقه در جایگاه تنها مرجع رسمی رابط بین مردم و حکومت جهت برقراری امنیت، کارکردهای؛ سیاسی، اقتصادی و قضایی از خود بروز دادند. دغدغه اصلی رهبران انجمن‌های رسمی ایجاد امنیت اجتماعی در گیلان بود. موضوعات مهم و قابل بررسی نقش انجمن‌ها در ایجاد و اعاده امنیت در گیلان عصر مشروطه عبارت بود از اول؛ نقش انجمن‌های رسمی در آرام کردن دهقانان در طی جنبش دهقانی و اعاده دوباره امنیت در گیلان و دوم؛ مدیریت اقتصادی و قضایی منطقه از دریافت مالیات گرفته تا احقاق حقوق مراکز امنیتی چون امنیه با استفاده از حقوق قضایی و اجرایی که در دستورالعمل اختیارات انجمن‌ها در نظامنامه انجمن‌های رسمی تعریف شده بود. سوم؛ دفاع از مردم ستم دیده گیلان در مقابل تجاوزات نظامی و اجرای راهکارهای مختلف جهت بیرون راندن روس‌ها از گیلان و اعاده دوباره امنیت در منطقه. چهارم؛ تأمین امنیت اتباع خارجی مقیم گیلان نیز از عملکردهای امنیتی انجمن ایالتی و ولایتی گیلان محسوب می‌شود.

پایگاه مردمی انجمن‌های رسمی گیلان، در کنار رسمیت یافتن آن‌ها از طرف حکومت مرکزی، باعث شد که این انجمن‌ها علیرغم همه کاستی‌هایشان، در شرایط نبود و یا کمبود عوامل اجرایی تأمین امنیت با جلب مشارکت‌های گروه‌های مردمی گامی عملی در جهت تأمین امنیت گیلان بردارند. تبیین و بررسی نقش‌های مختلف امنیتی و انتظامی انجمن‌های رسمی گیلان در عصر مشروطه مسئله تحقیق می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق جهت بررسی مسئله تحقیق این است که انجمن‌های رسمی گیلان در عصر مشروطه چه نقش‌های امنیتی و انتظامی در برقراری امنیت منطقه ایفا نمودند؟ پژوهش حاضر با در نظر گرفتن محورهای فعالیت انجمن‌های رسمی، به روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به سؤال تحقیق می‌باشد. جستجو در پیشینه تحقیق نشان می‌دهد با این عنوان و رویکرد تاکنون پژوهشی انجام نشده است. اگرچه در حوزه گیلان عصر مشروطه تحقیقات بسیاری انجام شده است، اما اکثر این تحقیقات به مبارزات مشروطه خواهان علیه استبداد متمرکز است. تحقیقاتی نیز که در خصوص انجمن‌های رسمی گیلان صورت گرفته است بیشتر به نقش‌های مختلف سیاسی انجمن‌ها در حوادث عصر مشروطه پرداخته‌اند. کتاب «انجمن‌های ایران در عصر مشروطه» اثر دکتر فاروق خرابی را می‌توان به‌عنوان تنها اثر مستقل در خصوص انجمن‌های عصر مشروطه معرفی نمود، البته کتاب مزبور با تکیه بر انجمن‌های پایتخت به بررسی انجمن‌های عصر مشروطه پرداخته و تنها در برخی موارد جزئی به معدودی از انجمن‌های گیلان اشاراتی دارد. همچنین مقالاتی باهدف معرفی و بررسی نقش انجمن‌های ملی ایران با تکیه بر انجمن‌های تهران و تبریز نوشته شده است که از آن‌ها می‌توان به دو مقاله؛ 1- انجمن‌های ملی در عصر مشروطیت ایران اثر سهراب یزدانی و 2- نقش انجمن‌ها در انقلاب مشروطیت اثر فاروق خرابی اشاره نمود.

1. دسته‌بندی انجمن‌ها بعد از انقلاب مشروطیت:

به دنبال برقراری مشروطیت، موقعیت سیاسی و اجتماعی نوینی در جامعه پدیدار شد. نظام جدید الزامات خود را به همراه آورد که از جمله آن‌ها، لزوم نظارت جامعه بر قوای سه‌گانه حکومت و مشارکت مردم در سرنوشتشان بود. در این شرایط یکی از راه‌های شرکت مردم در تعیین سرنوشتشان، تشکیل انجمن‌ها بود. هرچند قبل از انقلاب

مشروطیت، گروه‌های مختلفی در اجتماعاتی تحت عنوان انجمن‌های مخفی به مبارزه علیه استبداد پرداختند اما بارزترین تفاوت انجمن‌های بعد از انقلاب، رسمیت یافتن بسیاری از این انجمن‌ها در طی فرمان صادره از طرف مظفرالدین شاه بود. پس از اعلان این فرمان، «نخستین انجمن ایران در سال 1906 در تبریز و سپس در گیلان، اصفهان و تهران تشکیل شد» (ایوانف، 1354: 73).

در خصوص الگوی انجمن‌های ایران، نظرات مختلفی ارائه شده است. به اعتقاد فلور انجمن‌ها، اساساً بر پایه سنت تشکیل اصناف به وجود آمدند (فلور، 1365: ج 1، 100). به نظر اتحادیه امکان دارد که الگوی انجمن‌ها از سوئیت‌های روسیه که در انقلاب 1905 روسیه تشکیل شدند، گرفته شده باشد (اتحادیه، 1361: 149). شیفتگی برخی از رهبران مشروطه چون یحیی دولت‌آبادی و مخبرالسلطنه به تاریخ انقلاب فرانسه و رهبران آن این عقیده را که انجمن‌های ایران به تقلید از الگوی کلوب‌های انقلاب فرانسه تشکیل شده باشد را نیز به وجود می‌آورد (یزدانی، 1379: 24).

علیرغم الگوهای مختلفی که ارائه شده است، با در نظر گرفتن این مسئله که انجمن‌های ایران ترکیب طبقاتی متنوعی داشتند، می‌توان گفت که سنت تشکیل انجمن‌های ایران را باید در قالب طبقات اجتماعی تشکیل دهنده آن‌ها جستجو نمود، چراکه با بررسی عملکرد انجمن‌ها در یک جامعه نسبت به جامعه دیگر متوجه تفاوت‌های اجرایی آن‌ها خواهیم شد. تنها در مواردی اندک می‌توانیم تأثیرات محدودی از انجمن‌های خارج را در چگونگی شکل‌گیری انجمن‌های ایران مشاهده نمود.

در یک تقسیم‌بندی عمومی می‌توان انجمن‌ها را به دو نوع انجمن‌های رسمی و انجمن‌های غیررسمی تقسیم نمود.

انجمن‌های رسمی عبارت بودند از:

1- انجمن‌های ایالتی و ولایتی

2- انجمن‌های ملی

3- انجمن‌های بلدی.

انجمن غیررسمی عبارت بودند از: انجمن‌های صنفی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی (خارابی، 1379: 67).

عملکرد انجمن‌های رسمی و غیررسمی متفاوت از هم ارزیابی می‌شود. انجمن‌های ایالتی و ولایتی به‌عنوان نخستین انجمن‌های رسمی، نماینده دولت مرکزی در ایالات و ولایات بودند و اعمال حکام را تحت نظارت داشتند. علاوه بر آن در برگزاری انتخابات مجلس و تأمین امنیت اجتماعی منطقه و جلوگیری از هرگونه اعمال حکمرانان که ممکن بود روش خودسرانه رژیم استبدادی را نسبت به مردم در پیش گیرند، وظایف و اختیاراتی را به عهده داشتند (براون، 1338: 262). قدرت اجرایی انجمن‌های رسمی حدودمرزی نداشت و تقریباً در تمامی مسائل سیاسی و اجتماعی ولایات و ایالات تحت نفوذ خود دخالت می‌نمودند. کسروی در این خصوص چنین می‌نویسد: «این انجمن‌ها به همه کارها از سیاسی و دولتی در می‌آیند» (کسروی، 1383: 500). لازم به ذکر است که نباید اقدامات انجمن‌های رسمی را با بسیاری از اقدامات بدون برنامه و هرج و مرج طلبانه انجمن‌های غیررسمی یکی بدانیم. سایکس عملکردهای اجتماعی و سیاسی انجمن‌های رسمی را ستایش می‌نماید و آن‌ها را ستون فقرات انقلاب معرفی می‌نماید. به نظر او انجمن‌های رسمی سهم وافر در نظامات جدید داشتند، ولی برعکس انجمن‌های غیررسمی عمدتاً سیاسی و اغلب هرج و مرج طلب بودند (سایکس، 1362: 578 / 2). تقریباً اکثر نمایندگان مجلس نیز در این مورد که انجمن‌های غیررسمی از حدود خود تجاوز می‌نمودند، اتفاق داشتند (روزنامه مجلس، 1325: ش 2، 529).

2. معرفی انجمن‌های رسمی گیلان در عصر مشروطه

در عصر مشروطه بعد از تشکیل نخستین انجمن رسمی تبریز، در گیلان نیز چندین انجمن رسمی تشکیل شد. با توجه به ترتیب زمانی، انجمن‌های رسمی گیلان عبارت‌اند از:

2-1. انجمن ملی رشت

نخستین انجمن ملی رشت که بعد از انجمن قدیم نام گرفت، انجمن ملی رشت بود که به همت میرزا صالح خان وزیر اکرم که از طرفداران مشروطه بود، در اوایل دی‌ماه 1285 هـ ش تشکیل شد. ظاهراً وزیر اکرم حدود یک ماه درگیر انتخاب اعضای این انجمن بود (رابینو، 1352: 2). بعد از آنکه خبر آذربایجان و نهضت میرزا حسن مجتهد به انجمن ملی

رشت رسید، این انجمن اعلام تعطیل عمومی کرد و کنفرانس‌هایی بر ضد محمدعلی شاه و مرتجعین برگزار کرد؛ «میرزا محمدخان مغازه در سبزه‌میدان رشت نطق‌های آتشین بر ضد محمدعلی شاه و مرتجعین به مجلس نمودند. اگرچه وکلا به‌خوبی از دسایس و حیل‌های مخالفین کماهو حقه، اطلاعات کافی داشتند. ولی در این موقع به اهالی رشت امر سکوت داده شد و آن‌ها را ساکت کردند» (محیط مافی، 205:1363).

اعضای انجمن ملی رشت از طبقات مختلف اجتماعی و با افکار و عقاید متفاوت و گاه متضاد بودند. حضور گروه‌های مختلف باعث شد که اختلافات اعضای انجمن‌ها بعد از چند ماه به اوج خود برسد این اختلافات تا زمان انحلال انجمن ملی وجود داشت. به تدریج دامنه اختلاف بین اعضای انجمن ملی بالا گرفت. این اختلاف در اوایل اسفند 1285 هـ ش که محمدولی خان تنکابنی، سپهدار اعظم به‌جای میرزا صالح خان وزیر اکرم به حکومت گیلان منصوب شد، به اوج خود رسید. اکثریت اعضای انجمن خواستار اخراج حاجی شریعتمدار، حاجی حاتم، حاجی معتمد و حاجی اکبر ارباب از شهر شدند. لیکن قضیه تا کسب تکلیف از مجلس شورای ملی مسکوت ماند. در همین هنگام، مطرودین انجمن به اتفاق چند تن دیگر از اعضای انجمن از جمله آقا سید محمود روحانی، داماد حاجی خمami معروف، ملا محمدرضا چکوسری از بقیه جدا شدند و خود را اعضای انجمن ملی دیگری خواندند. دو پاره شدن انجمن ملی اوضاع را بدتر کرد تا اینکه در 11 اسفند 1285 هـ ش دو انجمن در خانه حاجی مجتهد جمع شدند. تا به اختلافات پایان دهند، باین حال راه به‌جایی نبردند (رابینو، 1368: 4-5). هنوز اختلافات انجمن ملی به پایان نرسیده بود که مجلس رأی به ولایت بودن گیلان صادر نمود و انجمن ولایتی جایگزین انجمن ملی رشت شد.

2-2. انجمن ولایتی

با افزایش تعداد نفرات انجمن ملی، به تدریج مشروطه خواهان دروغینی در جمع اعضای انجمن حضور یافتند که خواهان همان حاکمیت استبدادی بودند و در مقابله با انجمن ملی، انجمن جدیدی را تشکیل دادند. انجمن جدید به اختلافات اعضای انجمن شدت می‌بخشید. کسروی در این خصوص چنین می‌نویسد: «در رشت انجمن برپا گردیده ولی یک دسته از بدخواهان به دشمنی برخاسته و آشوب می‌نمودند و آنان هم انجمن دیگری برپا کرده بودند که از سپهدار حاکم آنجا پشتیبانی نشان می‌داد. انجمن

تبریز و دارالشوری با تلگراف خود، یآوری از انجمن آزادی خواهان نمودند و پس از کشاکش‌های بسیار، آزادی خواهان فیروز گردیدند» (کسروی، 1383: 227). در این زمان، با تصویب نظامنامه انتخابات جدید ایالتی و ولایتی و تقسیم ایران به ایالات و ولایات مختلف، گیلان به‌عنوان ولایت در نظر گرفته شد، بر این اساس تمامی انجمن‌های ملی باید در گیلان منحل می‌شد و یک انجمن ولایتی تشکیل می‌شد. علی‌رغم همه مخالفت‌هایی که از سوی گروه‌های مختلف در گیلان صورت گرفت، در رأی‌گیری نمایندگان مجلس، گیلان به‌عنوان ولایت در نظر گرفته شد «در نهایت مجلس با 71 رأی موافق، به ولایت بودن گیلان، 6 رأی مخالف و 2 رأی امتناع، رأی به ولایت بودن گیلان داد» (روزنامه مجلس، 1325: ش 165، 2). مجلس در 1325 (1286 ه.ش) نظامنامه انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی را مدون و تصویب کرد و به کلیه ولایت‌ها و ایالت‌ها ارسال کرد. بر طبق قانون انتخابات، کشور به ایالت‌ها و ولایت‌هایی تقسیم شده بود (حقدار، 1383: 586). بر اساس این تصمیم، انتخابات انجمن ولایتی رشت در سال 1286 ه.ش انجام شد و اعضاء آن از پنج طبقه علما، تجار، اعیان، کسبه و اصناف و مالکین انتخاب شدند (روزنامه انجمن ولایتی گیلان، 1325: ش 1).

انجمن‌های ایالتی و ولایتی نماینده دولت مرکزی بودند و اعمال حاکم را تحت نظارت داشتند. هدف اصلی همه انجمن‌های ایالتی و ولایتی آن‌طور که اعلام می‌کردند دفاع و پشتیبانی از قانون اساسی و مجلس بود و گاه انجمن‌ها، وظایف یک حزب را در یک دموکراسی پارلمانی ایفا می‌کردند. به مرور این گونه فعالیت‌ها و تشکیل انجمن‌ها گسترده‌تر شد و قدرت بیشتری یافتند. انجمن‌ها بین مردم و مجلس رابط بودند و حتی می‌توانستند محرک مردم باشند (اتحادیه، 1361: 149).

یکی از اقدامات انجمن ولایتی گیلان چاپ روزنامه بود تا فعالیت‌های خود را به اطلاع عموم برساند. اقدام انجمن در چاپ روزنامه ولایتی نیز در ابتدا بسیار موفق بود، اما بعد از مدتی اختلاف درونی انجمن و اختلاف مردم با ماهیت و اعضاء انجمن منجر به انحلال روزنامه گردید و بعد از نشر شماره چهارم مورخ 22 شعبان 1325 ه.ق دیگر خبری از این روزنامه در دست نیست (نوزاد، 1379: 35-31). کتاب آبی در خصوص اختلافات اعضای انجمن ولایتی چنین می‌نویسد: «در این بین اعضاء انجمن ولایتی گرفتار چندین پارتی مخالف گردید. به‌طوری‌که رقابت و ضدیت ایشان با یکدیگر سبب

اغتشاش و بی‌نظمی بسیار گشت» (کتاب آبی، 1363: ج 1، 37). در واقع تزلزل انجمن رشت بیشتر به حضور افرادی که انتخاب شده‌ی وزیر اکرم حکمران گیلان بودند، مربوط می‌شد. اکثر این افراد در بین مردم وجهه‌ای نداشتند. ریاست انجمن هم بر عهده معین-الممالک بود. او وقتی که شایعه برچیده شدن مجلس و تشدید اختلاف محمدعلی‌شاه با مجلس را شنید به دارالحکومه فرار کرد و گفت: من دیگر به مشروطه کار ندارم (مرادی مراغه‌ای، 1384: 218). بعد از به توپ بسته شدن مجلس انجمن ولایتی گیلان نیز همچون تمامی انجمن‌ها و احزاب سیاسی کشور هیچ‌گونه فعالیت علنی نداشت تا زمانی که جایگزین آن انجمن ایالتی تشکیل شد.

3-2. انجمن ایالتی

با به توپ بسته شدن مجلس و عدم فعالیت انجمن ولایتی گیلان، تلاش مشروطه خواهان جهت تشکیل مجدد انجمن، به دلیل مخالفت‌های سردار افخم با موفقیت همراه نبود. از طرفی محمدعلی شاه هم در اعلامیه‌ای که در تاریخ 27 شعبان 1326 ه.ق صادر نمود مخالفت خود را با هرگونه فعالیت انجمن‌ها ابراز داشت. در این اعلامیه چنین آمده است: «پس از آنکه دولت، محض استقرار نظم در مملکت و جلوگیری از مفسدین و انجمن‌ها و اشخاص لامذهب که اسباب اذیت مردم بودند، مجلس را منحل نمود ما قول دادیم پس از اعاده نظم و قلع و قمع مفسدین و انجمن‌ها و امنیت و خاموشی اهالی، مجلسی منعقد نماییم که قوانین آن موافق مقتضیات مملکتی و قوانین مقدس اسلام بوده حامی و مروج عدالت گردد...» (فخرایی، بی‌تا: 89). اعلامیه مزبور که به انشاء شخص اعلیحضرت و مشحون از یک سلسله گفتارهای متکبرانه و جملات تکراری است، درجه خشم و غضب وی را نسبت به انجمن‌ها و اجتماعات نشان می‌دهد» (فخرایی، بی‌تا: 90).

اقدامات سخت‌گیرانه سردار افخم در گیلان باعث شد که در نهایت مشروطه خواهان گیلانی که بیشتر آنان اعضای کمیته ستار بودند با کمک فرقه‌های هنچاک و داشناک موفق شوند در یک حرکت زیرکانه که به انقلاب رشت معروف شد، سردار افخم را از بین ببرند. انقلابیون بعد از انقلاب رشت در اندک زمانی موفق شدند، نظم را بر سرزمین گیلان برقرار نمایند و دامنه نفوذ خود را تا صد کیلومتری راه تهران استوار سازند و بر طبق قانون اساسی، انجمن ایالتی را تشکیل دادند و زمام امور را به دست انجمن

سپردند. انجمن که از مردان آزادیخواه و روشنفکر شکل یافته بود پس از رسمیت یافتن و تهیه نظامنامه و حدود اختیارات قانونی خود اعلامیه‌ای منتشر نمود و سواد آن را برای سفرای مقیم تهران ارسال داشت (ملک‌زاده، 1383: ج 5، 1069).

زمانی که مجلس دوم - در نتیجه اولتیماتوم روس‌ها در مورد مستر شوستر آمریکایی و اخراج او - متشنج شد، نبرد سختی بین دموکرات‌ها و اعتدالیون رخ داد. عاقبت دموکرات‌ها مغلوب گردیدند و مستر شوستر از ایران رفت و عمر مجلس دوم هم در اواخر سال 1329 ه.ق به سر آمد و ناصرالملک دیگر انتخابات را تجدید نکرد (بهار، 1357: ج 1، 11). مجلس ایالتی گیلان هم بعد از 3 سال فعالیت، با تصرف رشت توسط روس‌ها منحل گردید. بعد از آن انجمن ولایتی در برخی شهرها گیلان به صورت مخفیانه و بی‌اثر تا زمان جنگ جهانی اول و تشکیل مجلس سوم به حیات خود ادامه دادند.

2-4. انجمن بلدیة

مجلس اول، با همه کاستی‌ها و بی‌تجربگی‌اش، برخی قوانین مترقی وضع نمود. از جمله این قوانین، قانون تشکیل «انجمن بلدی یا نظامنامه بلدی» بود که بر اساس آن مردم هر شهری می‌توانستند در بازسازی و بهسازی شهر خود نظارت و دخالت مستقیم داشته باشند. به موجب این قانون «حفظ منابع شهر و ایفای حوایج اهالی و آذوقه شهر و نظافت و روشنایی و تقسیم آب به عهده بلدیة واگذار شد. بر طبق این قانون مقرر شده بود که امور شهر زیر نظر انجمن بلدیة که اعضای آن طی انتخابات از مردم شهر انتخاب می‌شدند اداره شود. انتخاب رئیس بلدیة (شهردار) نیز به انتخاب اعضاء انجمن بود» (نیکویه، 1387:31). نخستین قانون بلدیة در 12 خرداد 1286 ه. ش در 108 ماده برای نظم و انتظام دادن به امور شهری به تصویب رسید. بنیادهای انتظام شهری بر اساس قوانین جدید در دوره ناصرالدین‌شاه ریخته شد. زمانی که «کنت دمونت فرت» در سال 1296 ه. ق به ریاست نظمیه تهران برگزیده شد، کتابچه‌ای حاوی قوانین مربوط به امنیت شهری تهیه کرد که با امضای ناصرالدین‌شاه به‌عنوان اولین دستورالعمل بلدیة و نظمیه به اجرا در آمد. کتابچه قانون «کنت» مشتمل بر یک مقدمه در شرح وظایف نظمیه و 58 ماده جزایی بود. مفادی از این کتابچه به مسائل بلدیة مربوط می‌شد که در قانون بلدیة مصوب مجلس شورای ملی مدنظر قرار گرفته است (حقدار، 1383: 38).

انتخابات انجمن بلدی در گیلان روز جمعه 26 ذی‌حجه 1325 در مسجد صفی رشت برگزار شد در این انتخابات حاجی میرزا ابوطالب با 902 رأی به‌عنوان رئیس اولین انجمن بلدی رشت انتخاب شد (دهقان، 1380: 76). انجمن بلدی در بسیاری از شهرها مثل انزلی و لاهیجان جایگزین انجمن ملی، شد. بنا به خبر روزنامه خیرالکلام شعبه‌ای از انجمن بلدی تحت نظارت انجمن ولایتی در آستارا نیز تشکیل شد (خیرالکلام، 1327، ش 24: 3).

وظایف انجمن بلدی با انجمن ولایتی و ملی، تفاوت‌های بسیاری داشت. انجمن ملی ناظر بر اعمال حاکم بود درحالی‌که انجمن بلدی (شورای شهر امروز) محدود به یکسری وظایف در نگهداری شهرها، کوچه‌ها، محله‌ها و حمل‌ونقل و غیره بود. خیرالکلام در خصوص عملکرد انجمن بلدی رشت در حمل‌ونقل چنین می‌نویسد: «چون تاکنون ترتیب درشک‌های کرایه‌ای در تحت قانون مرتب نبوده و این بی‌ترتیبی باعث زحمت درشک‌های کرایه‌ای بوده، نظم و ترتیب این امر به‌طوری‌که اسباب آسایش و راحت عموم باشد، در تمام ممالک محروسه به‌حکم قانون به عهده اداره بلدی است. لهذا اداره بلدی رشت برای انتظام امور درشک‌جات مواردی تنظیم نمودند که عموم مسافرین و درشک‌چی‌ها در عهده شناخته از آن موارد تخلف نمایند» (خیرالکلام، 1328: 45).

3. نقش‌های امنیتی و انتظامی انجمن‌های رسمی گیلان در عصر مشروطه

امنیت از مهم‌ترین مسائلی بود که موجبات دخالت انجمن‌های رسمی را در امور اجرایی فراهم می‌ساخت. در طی ماه‌های اولیه دوره مشروطه در بسیاری از نقاط، حکام عهد استبداد که دیگر قادر به حفظ موقعیت خود نبودند، یا خود از کار کنار رفتند و یا اینکه با فشار مشروطه‌طلبان از سمت‌های خود برکنار شدند. با توجه به فقدان قوانین و مقررات و ضابطه‌های جدید معلوم نبود حکام با چه شیوه‌هایی قادر خواهند بود اعمال قدرت نمایند. عین السلطنه در این خصوص چنین می‌نویسد: «مثلاً در قانون اساسی نوشته هیچ مقصری را نمی‌شود احضار کرد مگر به‌حکم قانون قطاع الطريق... وانگهی کو محکمه، ما قانون نداریم. مملکت ما مقننه نبود، حدود معلوم نیست» (سالور و افشار، 1825/3: 1377).

پس از تبدیل نظام سیاسی از استبداد به مشروطه، در کنار سرکشی گردن کشان و خوانین و سران عشایر، برخی خودسری‌های مشروطه خواهان به صورت فردی و گروهی نیز به نوبه خود، موجبات بروز اختلال در امنیت می‌شد. در این زمان انجمن‌های رسمی گیلان، نقش بارزی را در تأمین امنیت این منطقه ایفاء نمودند. علی‌رغم رسمیت یافتن این انجمن‌ها توسط حکومت مرکزی، آنچه به اهمیت انجمن‌های رسمی می‌افزود این بود که وکلا این انجمن‌ها در طی انتخابات توسط مردم منطقه انتخاب می‌شدند و دارای پایگاه مردمی بودند (اتحادیه، 1375: 63).

نخستین نقش بارز انجمن‌های رسمی گیلان را می‌توان در اعاده امنیت گیلان در ماجرای جنبش دهقانی جستجو نمود. در عصر مشروطه، دهقانان مناطق مختلف گیلان در مقابل مالکان سر به اعتراض برداشتند. آنان خواهان تحولاتی در نظام ارباب - رعیتی بودند. انقلاب مشروطه دگرگونی‌های نمایانی در ساختار اجتماعی - اقتصادی ایران پدید نیاورد، برای مثال مسئله زمین را که برای دهقانان مهم‌تر از همه‌چیز دیگر بود بازنگشود. در واقع مناسبات فئودالی را همچنان از تعرض مصون نگاه داشت. باین‌همه، انقلاب آگاهی سیاسی مردم را افزایش داد و آن‌ها را به مبارزه علیه خودکامگی ارباب‌ها برانگیخت (کوزانتسوا، 1358: 40). آگاهی سیاسی دهقانان گیلان را در برهه‌های مختلف تاریخی، می‌توان مشاهده نمود. به اعتقاد آبراهامیان درحالی‌که مشخصه دهقانان ایران معاصر «منفعل بودن» دانسته شده است، دهقانان گیلان، به‌خصوص در طول جنبش جنگل به «انقلابی گری» شهرت یافتند (آبراهامیان، 1375: 95). دهقانان گیلانی در اولین اقدام خود از دادن مالیات و بهره مالکانه به اربابان امتناع ورزیدند و بعدازآن به زدوخورد با مأموران مالیاتی و همچنین مالکان پرداختند. رایینو در خصوص نخستین اقدام عملی دهقانان گیلان در سال 1907 م (1325 ه ق) چنین می‌نویسد: «کلیه کارهای رشت مغشوش است، تخم نوغانی‌ها پول برای خرید پيله نمی‌دهند و رعایا در مقابل تعدیات مالکین سری بیرون آورده‌اند. یک رعیت، مالک ملک خود را زد، مالک در انجمن هم کتک خورده بیرون رفت» (رایینو، 1352: 11). جنبش دهقانی گیلان در اثر حمایت گروه‌ها و احزاب سیاسی مختلف تقریباً سراسر گیلان را فرا گرفت. در طی این جنبش حکام محلی گیلان در عوض تأمین امنیت در منطقه به جهت دشمنی با انجمن ایالتی و ولایتی به حمایت از مالکان پرداختند. حمایت حکام از مالکان

در کنار حسادت‌ها و دشمنی که آن‌ها با انجمن‌های رسمی داشتند، به راه‌های کسب درآمد حکام محلی نیز مربوط می‌شد. یکی از منابع درآمد مهم حاکمان محلی گیلان کسب مداخل از مالکین روستاهای مختلف بود. با آغاز مشروطیت و حضور انجمن‌های رسمی، امکان کسب مداخل مالکان محلی یا از بین رفته بود یا کاهش یافته بود. این مسئله حس خصومت حکام محلی را نسبت به انجمن‌ها برمی‌انگیخت (روزنامه مجلس، 1325، ش 34: 2). انجمن ولایتی گیلان جهت رفع اغتشاش منطقه، جلسات مختلفی با وکلای خود تشکیل داد تا راهکارهای مناسبی در جهت تأمین دوباره امنیت منطقه اتخاذ نمایند. انجمن ولایتی در نخستین جلسه خود به دفاع از دهقانان پرداخت. برخی از مطالب وکلای انجمن ولایتی در نخستین جلسه بر اساس روزنامه انجمن ولایتی چنین است: «ارباب چه حق دارد در ملک مستأجر دخالت نماید، اختیار تخم نوغان باید با رعیت باشد» (روزنامه انجمن ولایتی گیلان، 1325: ش 1/1). انجمن ولایتی در درخواست‌های مکرر خود از مجلس، خواهان رسیدگی به وضعیت دهقانان گیلان می‌شد؛ اما مجلس در جواب درخواست‌های انجمن ولایتی به حمایت مالکان برخاست و از انجمن ولایتی گیلان خواست که معنا و مفهوم درست مشروطگی را به رعایا بفهماند (روزنامه مجلس، 1325: ش 3/61). در چنین شرایطی که انجمن ولایتی تنها مرجع رسمی ارتباط بین دهقانان و حکومت مرکزی بود، جهت جلوگیری از سرکوب بیش‌ازاندازه دهقانان که توسط مالکان و حاکم محلی گیلان صورت می‌گرفت در طی اعلامیه‌ای از دهقانان خواست که اجاره‌های معوقه خود را به مالکان بپردازند (آفاری، 209:1384).

بر اساس نظامنامه وظایف انجمن‌های رسمی، این انجمن‌ها در کنار قدرت سیاسی از قدرت قضایی بالایی نیز برخوردار بودند. بر طبق گزارش خبرنگار روزنامه حبل‌المتین بر طبق دستور انجمن ملی رشت، داروغه جدید شهر و همراهانش را به علت برخی لغزش‌های اخلاقی بازداشت نمودند و کشان‌کشان به انجمن آوردند (حبل‌المتین، 1325: ش 2/58). در واقع انجمن‌های رسمی، به مرجعی جهت رسیدگی به شکایات مردم جهت برقراری نظم اجتماعی تبدیل شده بودند. این اختیارات قضایی انجمن‌ها در برقراری امنیت خودسر نبوده بلکه حقوق قضایی انجمن‌ها در محاکمات و شکایات و مالیه و در امورات مختلف در فصول وظایف انجمن‌های رسمی توسط رئیس مجلس به

تصویب رسیده بود (افشار، 1349: 341). انجمن‌های رسمی علاوه بر رسیدگی به شکایات مردم رسیدگی به امور ادارات مختلف را نیز بر عهده داشت. انجمن ایالتی گیلان، با پیگیری شکایات ادارات مختلف و رفع و رجوع آن‌ها سعی در برقراری آرامش در منطقه داشت. روزنامه گیلان در خصوص پیگیری انجمن ایالتی رشت در خصوص نپرداختن حقوق امنیه چنین می‌نویسد: «از چند ماه قبل تاکنون به واسطه نرسیدن حقوق اداره پلیس سه دفعه تعطیل نموده‌اند. ما انتظار نداشتیم با همه پیگیری‌ها و تلگرافات انجمن ایالتی گیلان باز اولیای امور از سرحد گیلان غفلت نموده‌اند» (روزنامه گیلان، 1329: ش 4/47).

حضور انجمن‌ها در امر اداره جامعه در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، زبانزد روزنامه‌های محلی گیلان بود. روزنامه خیرالکلام تأمین امنیت جامعه را در امور مختلف اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مدیون حضور انجمن‌ها می‌داند. در این روزنامه چنین می‌خوانیم: «رفاهت و آسایش اهالی بسته به انجمن است. نظارت در ادارات و جلوگیری از اجحافات آن‌ها به عهده انجمن است، ترقی تجارت و ازدیاد ثروت و دارایی اهالی به جدوجهد انجمن است، ترویج معارف و تربیت اطفال بر عهده انجمن است، جلوگیری از خائنین ملت و دولت بر عهده انجمن است» (روزنامه خیرالکلام، 1328: ش 1/69). انجمن‌های رسمی گیلان تمایل آشکاری در جهت شرکت در فعالیت‌های اقتصادی عام‌المنفعه از خود نشان می‌دادند و از منافع اقتصادی مردم حمایت می‌نمودند. گزارشگر روزنامه حبل‌المتین در خصوص شکایت مردم گیلان از افزایش قیمت برنج در گیلان و عکس‌العمل انجمن ملی چنین نوشته است: «انجمن ملی نظر به مصالح عامه اعلانی انتشار داد که صادرکنندگانی که برنج خریداری نموده و آماده ارسال دارند، فقط تا پانزده روز مجاز به این کار می‌باشند و بعد از آن ارسال برنج به خارج تا رسیدن محصول تازه ممنوع می‌باشد» (حبل‌المتین، 1325: ش 2، 35).

نکته حائز اهمیت، حساسیتی بود که انجمن‌های رسمی در زمینه مسائل مربوط به زندگی شهری از خود نشان می‌دادند. انجمن ایالتی گیلان جهت از بین بردن فساد، دستور تعطیلی قهوه‌خانه‌ها را در مناطق مختلف شهر داد. همچنین جهت تأمین بهداشت عمومی، انجمنی تحت عنوان انجمن حفظ الصحه تشکیل داد (فخرایی، 1352: 140). همچنین انجمن ایالتی جهت افزایش آگاهی مردم و تأمین امنیت اجتماعی،

اقدام به برگزاری انتخابات انجمن معارف در شهر رشت می‌نمود. مهم‌ترین کارکرد این انجمن ترویج معارف و ایجاد مدارس جدید و تعلیم و تربیت نوین بود (فخرایی، 1352: 136). در واقع ترویج معارف نقش بسزایی در رهایی عامه از جهل و خرافات داشت. انجمن ایالتی در راستای رشد فرهنگی جامعه از اقدامات انجمن معارف حمایت مالی می‌نمود (روزنامه گیلان، 1329، ش 4: 49).

در زمان حضور روس‌ها و تجاوزات نظامی آن‌ها در گیلان، در ابتدا انجمن ایالتی مردم را به آرامش در مقابل اقدامات روس‌ها دعوت می‌نمود و در اعلامیه‌های مکرر از مردم چنین درخواست می‌نمود: «خلاف نزاکت رفتار نکنید چراکه باعث تحریک نظامیان روس خواهد شد» (رابینو، 1368: 10). هراس از مداخله نظامی روس در روانشناسی اجتماعی گیلانیان تأثیر زیادی بخشیده بود. با وجود مراقبت‌های رفتاری گیلانیان در مقابل روس‌ها، روسیان مقیم گیلان با ایجاد رعب و وحشت در بین اهالی منطقه بدون هیچ‌گونه دلیل و بهانه و ضرورت جنگی تاخت‌وتاز می‌نمودند و از حمایت مقامات محلی هم برخوردار بودند. پلیس نیز با استفاده از حقوق سیاسی «خارجی» از مداخله و بازداشت آن‌ها ممنوع بود (براون، 1337: 372). در این شرایط انجمن ایالتی گیلان با کناره‌گیری از آرامش اولیه خود در مقابل روس‌ها، در طی تلگراف‌های متعدد به اولیای امور در پایتخت خواهان رسیدگی به وضعیت بد مردم گیلان می‌شد؛ اما تنها پاسخی که از پایتخت دریافت می‌شد این بود که مردم گیلان جنگ را در مقابل روس‌ها متوقف نمایند (براون، 1351: 137). در حالی که جنگ دوطرفه‌ای در کار نبود و این روس‌ها بودند که با حمایت حاکم محلی گیلان تجاوزات عدیده‌ای را در حق مردم گیلان انجام می‌دادند. انجمن ایالتی گیلان در مقابل بی‌تفاوتی اولیای امور در مقابل تجاوزات روس‌ها، سعی نمود با جمع‌آوری مبالغی از میان اعضا خود و همچنین جمع‌آوری اعانه با کمک انجمن بلدیة رشت به مجاهدان گیلانی در خرید اسلحه جهت مبارزه با روس‌ها و مستکبران محلی کمک نماید (نیکویه، 1387: 40). همچنین انجمن در طی نطق‌های مختلف در بین مردم آن‌ها را به دفاع و مقاومت در مقابل روس‌ها دعوت می‌نمود. جورابچی در خصوص این عملکرد انجمن ایالتی چنین می‌نویسد: «اهالی در سبزه‌میدان جمع شدند و کلا و هم انجمن ایالتی هم آمدند و بعد از نطق زیاد

گفتند که این بستگی به بازار به جهت این است که به همه قنصل‌های خارجی بفرمانیم که ما از آمدن روس رضایت نداریم» (جورابچی، 1363: 208).

انجمن ایالتی گیلان در کنار تأمین امنیت اهالی منطقه، بر لزوم حفظ امنیت رعایا و اتباع خارجی مقیم گیلان نیز پافشاری می‌نمود و در این مورد تمام تلاش خود را انجام می‌داد. جرج بارکلی در مکتوب خود به ادواردگری از تلاش فراوان انجمن ایالتی در تأمین امنیت اتباع خارجی خبر می‌دهد. او چنین گزارش می‌دهد: «در 11 مارس تلگرافی از طرف انجمن ایالتی گیلان به من رسید که سوار آن را برای سایر نماینده‌های خارجه مقیمین تهران فرستاده شده بود. تلگراف مزبور تأکید می‌نمود که انجمن دائماً برای تأمین اتباع خارجه در جدوجهد هستند.» (کتاب آبی، 1362: 2/ 459). تلاش انجمن‌های رسمی در تأمین امنیت خارجیان مقیم گیلان، نشان از حیطة گسترده قدرت انجمن‌ها داشت. از این رو می‌توان گفت که در واقع در دوره اول مشروطه قدرت عملی گیلان در اختیار انجمن‌های رسمی بود، هرچند با تشکیل احزاب سیاسی در دور دوم مشروطه قدرت آن‌ها کاهش یافت.

نتیجه‌گیری

پس از اعلان مشروطیت، امنیت بخش‌های وسیعی از کشور، دچار تزلزل گردید. ناامنی تنها منحصر به مناطق روستایی و عشایری و راه‌های مواصلاتی نبود، بلکه در شهرها نیز امنیت متزلزل شده بود. سرزمین گیلان، از مناطقی بود که شاهد ناامنی‌های فراوانی بود. عدم همدلی بسیاری از حکام محلی گیلان با مشروطه که خود از دولت‌مردان عصر استبدادی بودند و تعطیلی مراکز امنیتی چون امنیه و عدلیه در مقاطعی از عصر مشروطه به دلیل نپرداختن حقوق و مواجب کارکنان آن‌ها از طرف دولت و ناتوانی دولت در ایجاد امنیت، باعث بروز اغتشاشات مختلف سیاسی و اجتماعی در گیلان می‌شد. در این شرایط انجمن‌های رسمی گیلان به‌عنوان تنها نهادهای رسمی رابط بین مردم و حکومت توانستند با جلب مشارکت‌های مردمی و بر اساس قانون وظایفشان، نقش‌های مهمی را در حفظ نظم و امنیت گیلان در عصر مشروطه ایفا نمایند و اقدامات گردن‌کشان محلی و در مواردی کشوری را زیر سؤال ببرند. هرچند این انجمن‌ها در مواردی به دلیل حضور افراد مختلف از طیف‌های متفاوت در اقدامات خود به بن‌بست

می‌رسیدند اما در مجموع با همه این کاستی‌ها، می‌توان گفت انجمن‌های رسمی به دلیل اختیارات فراوانشان، توانستند گام‌های عملی در جهت محدود نمودن استبداد سیاسی و تأمین امنیت نسبی اجتماعی منطقه گیلان بردارند.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (1375). مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: نشر شیرازه.
- آفاری، ژانت (1384). انقلاب مشروطه ایران. ترجمه رضا رضایی. تهران: نشر بیستون.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (1361). پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی). تهران: گستره.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (1375). مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه. تهران: نشر تاریخ ایران.
- افشار، ایرج (1349). مقالات تقی زاده. ج 1. تهران: نشر توس.
- ایوانف، م. س (1354). انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه کاظم انصاری. تهران: حبیبی.
- براون، ادوارد (1337). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت. به قلم محمد عباسی. ج 2. تهران: معرفت.
- _____ (1338). انقلاب ایران. ترجمه و حواشی احمد پژوه. تهران: معرفت.
- _____ (1351). نامه‌هایی از تبریز. ترجمه حسن جوادی. تهران: خوارزمی.
- بهار، ملک‌الشعرا (1357). تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران. ج 1. تهران: حبیبی.
- جورابچی، حاج محمدتقی (1363). حرفی از هزاران که اندر حکایت آمد. به کوشش علی قیصری. تهران: نشر تاریخ ایران.
- رابینو، هـ ل (1368 و 1352). مشروطه گیلان از یادداشت‌های رابینو به انضمام وقایع مشهد در سال 1330 هـ. ق. به کوشش محمد روشن. رشت: طاعت
- روزنامه انجمن ولایتی گیلان، ش 1.
- روزنامه حبل‌المتین. ش 34، 58.
- روزنامه خیرالکلام. ش ۲۴، ۶۹، ۴۵.
- روزنامه گیلان. ش ۴۷، ۴۹.
- روزنامه مجلس. ش ۵۲۹، ۱۶۵، 34، 61.
- سالور، مسعود و افشار، ایرج (1377). یادداشت‌های عین السلطنه. ج 3. تهران: اساطیر.

- سایکس، سرپرسی (1362). تاریخ ایران. ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی. ج 2. تهران: نشر علم.
- فخرایی، ابراهیم (1352). گیلان در جنبش مشروطیت. تهران: جیبی.
- فلور، ویلم (1365). جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار. ترجمه ابوالقاسم سری. ج 1. تهران: توس.
- کتاب آبی. گزارش‌های محرمانه وزارت خارجه انگلیس. (1362). به کوشش احمد بشیری. ج 2 و 1. تهران: نشر نو.
- کسروی، احمد (1383). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- کوزانتسوا، ن - آ (1358). اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ایران. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: نشر بین‌المللی.
- محیط مافی، هاشم (1363). تاریخ انقلاب ایران (مقدمات نهضت مشروطیت). به کوشش مجید تفرشی و جواد جان‌فدا. تهران: نشر علمی.
- مرادی مراغه‌ای، علی (1384). عبور از استبداد مرکزی (بررسی انجمن‌های شورایی با تکیه بر نمونه رشت و اصفهان). تهران: اوحدی.
- ملک‌زاده، مهدی (1383). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. ج 5. تهران: علمی.
- نیکویه، محمود (1387). تاریخچه بلدیة رشت از مشروطه تا 1320. رشت: ایلیا.

مقالات

- خرابی، فاروق (1379). نقش انجمن‌ها در انقلاب مشروطیت. نامه علوم اجتماعی. شماره 16. تهران: نامه علوم اجتماعی. صص 63-90.
- دهقان، محمود (1380). اولین انجمن شهر رشت چگونه تشکیل شد «معرفی شش سند باز یافته از مشروطه گیلان». گیلان نامه. ج 5. رشت: نشر طاعتی. صص 69-133.
- یزدانی، سهراب (1379). انجمن‌های ملی در عصر مشروطیت ایران. ش 19. تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت‌معلم تهران. صص 21-48.